

مدرنیته و چالش‌های دین‌داری

(از صفحه ۵۹ تا ۸۴)

کازم سام دلیری *

تاریخ دریافت: ۱۹/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۹/۱۱/۱۴

چکیده:

این مقاله کوششی است به منظور شناسایی تاثیر انواع دین‌داری بر ارتباط دین‌داران با روحانیان. در این راه سه نوع دین‌داری که منطقی بر این ارتباط تاثیر دارد مشخص شد. این سه نوع دین‌داری عبارتند از: دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت، دین‌داری بی‌نیاز به روحانی و دین‌داری ناپایبند. پس از توضیح و بسط نظری مکانیزم اثرگذاری این دین‌داری‌ها بر روابط دین‌داران با روحانیت، سه فرضیه منتج از بحث، به محک تجربه گذارده شد. نتایج تحقیق موید فرضیه‌ها است. به این معنا که مشخص شد هرچه اعتقاد دین‌داران به موقعیت و نقش روحانیت کاهش یابد، هرچه نیاز آنان توسط بدیل‌های مدرن مرتفع شود و هرچه ناپایبندی به ابعاد دین بیشتر باشد، ارتباط دین‌داران با روحانیان رو به تنزل خواهد گذارد.

کلید واژه‌ها: نوع دین‌داری، دین‌داری بی‌اعتقاد، دین‌داری بی‌نیاز، دین‌داری ناپایبند، روحانی.

مقدمه

روحانیت به گروهی از افراد اطلاق می‌گردد که به دلیل نوع خاص آموزش و تخصص، به وظایفی مشخص در نهاد دین اشتغال دارند. اگر مهم‌ترین وظایف روحانیت را در دین اسلام شناخت اصول عقاید و احکام دین - برای انتقال به مومنان - انجام جمعی برخی مناسک و عبادات و دفاع از دین در برابر عقاید غیر بدانیم، این وظایف در ارتباط با دین‌داران انجام می‌گیرد. به این معنا، انجام وظایف روحانیت وابسته به ارتباط آنان با دین‌داران است. دین‌دار کسی است که عامل به دین باشد و دین‌داری به معنای اهتمام به دین است (هیمل‌فارب، ۱۹۷۵). دین‌داری افراد تحت تاثیر انواع برداشت آنان از دین قرار دارد. همان‌گونه که انواعی از روحانی قابل شناسایی است، به همان ترتیب انواعی از دین‌دار می‌توان یافت. هم‌اهتمام افراد به دین گوناگون است و هم برداشت آنان به دین متفاوت است؛ لذا می‌توان به وجود انواعی از دین‌داری اعتقاد داشت.

ارتباط روحانیت با دین‌دار از طریق وظایف دینی آنان برقرار می‌گردد، به‌گونه‌ای که اغلب این وظایف، تنها از طریق ارتباط با دین‌داران انجام شدنی است. از سوی دیگر، دین‌داری دین‌دار وابسته به این ارتباط است؛ با این وصف چنان‌چه ارتباط دین‌دار با روحانی قطع شده یا به حداقل تقلیل یابد، تاثیری بر میزان دین‌داری جامعه خواهد گذارد. انواعی از دین‌داری وجود دارد که ارتباط دین‌داران را با روحانیت به حداقل تقلیل می‌دهد. این دین‌داری‌ها، تحت تاثیر تحولات اجتماعی - تکنولوژیک شکل گرفته و توسعه می‌یابد؛ تحولاتی که بیش از هر چیز ریشه در تحولات جهانی دارند. تحولات مورد نظر در سال‌های اخیر و تحت تاثیر جهانی شدن، موجبات شکل‌گیری انواعی از دین‌داری‌ها را فراهم آورده است که در آن‌ها، ارتباط دین‌دار با روحانیت به حداقل تقلیل می‌یابد. اما چه انواعی از دین‌داری است که ارتباط دین‌دار را با روحانیت به حداقل می‌رساند؟ این اندک کوششی است برای پاسخ‌گویی به این سوال.

چهارچوب نظری تحقیق

تعریف نوع دین‌داری: دین‌داری به معنای «اهتمامات دینی»^۱ است؛ (هیمل‌فارب^۲،

1. religious involvement
2. Himmelfarb

۱۹۷۵) به نحوی که نگرش، گرایش و کنش فرد تحت‌تاثیر آن قرار می‌گیرد. در این تعریف موکد است که دین از طریق نگرش و گرایش، کنش افراد را شکل می‌دهد. هرچند دین از طریق نگرش و گرایش بر کنش افراد تاثیر گذار است، اما رابطه‌ی دین و فرد را نمی‌توان یک‌سویه و آن‌هم تنها از جانب دین بر فرد دانست. رابطه‌ی دین و فرد می‌تواند دو سویه باشد؛ به این معنا که نوع فهم فرد از عقاید و احکام و اهتمام او به عبادات، اخلاقیات و مناسک، می‌تواند از دیگری متمایز و در میان افراد مختلف اشکال متفاوت و جلوه‌های گوناگون یابد. همین فهم‌های گوناگون و اهتمامات متفاوت به ابعاد گوناگون دین و ظهور و بروز متفاوت دین در نزد افراد، نوع دینداری تعریف می‌گردد.

فرض بنیادی بحث انواع دینداری، تفاوت انواع اهتمامات دینی افراد است. این‌گونه، در حوزه‌ی دین می‌توان انتظار انواع دین‌داری‌ها را داشت. اما این‌که این انواع چه می‌باشند؟ خود وابسته به ملاک‌ها برای تمیز آن‌ها است.

انواع دین‌داری

انواعی از دین‌داری وجود دارد که برای تعیین آن‌ها از ملاک‌های گوناگون استفاده شده است. نویسندگان با اتکا به این ملاک‌ها انواع گوناگونی از دین‌داری در دین اسلام تشخیص داده‌اند. به‌عنوان مثال، ملکیان (۱۳۷۸) انواع دین‌داری اسلامی را به بنیادگرا، تجددگرا و سنت‌گرا تقسیم می‌کند؛ کدیور (۱۳۸۵) معتقد است که انواع دین‌داری به سنتی، سنت‌گرایانه، بنیادگرایانه و نواندیشانه قابل تقسیم است؛ شپرد^۱ (۱۹۸۷ و ۲۰۰۴) پنج نوع دین‌داری سکولار، تجددگرای اسلامی، اسلام‌گرای رادیکال، سنت‌گرا و سنت‌گرای جدید را از انواع دین‌داری اسلامی می‌داند؛ نیکپی (۱۳۸۴) بر اساس تحقیقی تجربی به هفت نوع دین‌داری: عوامانه، ابزاری، ترکیبی نوین، الهیاتی، فقهی و شریعت‌مدارانه، سکولار و لائیک دست پیدا کرده است؛ سروش (۱۳۷۸) معتقد به سه نوع دین‌داری در اسلام است: دین‌داری مصلحت‌اندیش، معرفت‌اندیش و تجربت‌اندیش. دامنه این انواع طولانی است و ارایه آن از حوصله‌ی این تحقیق خارج؛ ضمن آن‌که این انواع به دلیل عدم توجه به ملاک رابطه‌ی روحانیان با دین‌داران - که بر روی ارتباط با روحانیان تاثیر خواهد داشت - به کار

1. Shepard

تحقیق نخواهد آمد. توجه به آن نوع از دین‌داری اهمیت دارد که بر رابطه‌ی دین‌دار و روحانی تاثیرگذار است.

در میان انواع دین‌داری‌های رایج شده، برخی مانند انواع دین‌داری مورد نظر سروش، نیک‌پی و میرسندسی (۱۳۸۳)، جنبه‌هایی از روابط میان دین‌داران و روحانیان را انعکاس می‌دهند؛ اما از آنجایی که این انواع با ملاک واحد طبقه‌بندی نشده است و طبقات گوناگون آن‌ها هم‌پوشانی‌هایی دارد و از سوی دیگر، دربرگیرنده‌ی تمام دین‌داری‌های مورد نظر تحقیق نیست؛ لذا در این بخش با مبنا قرار دادن ملاک وظایف روحانیان، انواعی از دین‌داری‌ها که موجب برقراری ارتباط با روحانیان یا قطع آن می‌گردد، مشخص می‌شود. به‌همین خاطر، برای تعیین انواع روابط میان دین‌داران و روحانیان می‌باید نقش‌ها و وظایف روحانیان در دین مورد نظر (اسلام شیعی) روشن شود.

تعیین نقش‌ها و وظایف روحانیان از آن‌رو اهمیت دارد که رابطه‌ی میان دین‌داران و روحانیان به موجب انجام همین وظایف دینی ایجاد می‌شود. البته پیش‌تر برخی وظایف اجتماعی نیز بر عهده‌ی روحانیان قرار داشت که ایجاد ارتباط با دین‌داران را نتیجه می‌داد. در امروز با مدرن شدن اجتماع و افزایش تقسیم‌کار، این وظایف از انحصار روحانیان خارج و به افراد و نهادهای دیگر واگذار شده است. به‌همین خاطر، کانال ارتباطی روحانیان با دین‌داران محدود به انجام همان وظایف دینی است.

مناسب‌ترین راه برای تعیین وظایف دینی روحانیان و توجیه‌پذیرترین آن، مشخص کردن ابعاد دین اسلام و سپس تعیین وظایف بر اساس این ابعاد است. تعیین ابعاد دین بدین خاطر است که وظایف و نقش‌های روحانیان به همین ابعاد باز می‌گردد.

برای دین منظور نظر تحقیق (اسلام) می‌توان سه وجه معرفتی، عاطفی و عملی بازشناخت و بر اساس این سه وجه پنج بعد عقیده، ایمان، عبادات، اخلاق، و شرعیات تعیین نمود (شجاعی زند، ۱۳۸۴). با ابتدا بر این پنج بعد می‌توان سه وظیفه‌ی کلی برای روحانیت در عرصه‌ی نظر (معرفتی) و عمل (شرعی و مناسکی) تشخیص داد^۱. روحانیت از یک‌سو وظیفه‌ی شناسایی اصول عقاید دین و اخذ احکام مربوط به اخلاقیات، عبادیات

۱. توجه به این دو وظیفه را می‌توان با تاکیدات متفاوت در آثار نویسنده‌های دیگر نیز مشاهده کرد. برای نمونه مراجعه شود به: گلزاده غفوری ۱۳۶۰: ۲۱-۱۹؛ بهشتی ۱۳۴۲؛ مطهری، ۱۳۸۴؛ ذوعلم، ۱۳۸۴؛ خاکبان ۱۳۸۴.

و شرعیات از متون مقدس را دارد و از سوی دیگر می‌باید یافته‌های خود را در حوزه‌های یاد شده به دین‌داران انتقال دهد. در کنار این دو وظیفه، انجام عبادات و مناسک جمعی نیز بر عهده‌ی روحانیان می‌باشد- البته بر اساس برخی تفاسیر از اسلام اداره‌ی جامعه بر اساس شرعیات از وظایف روحانیان است.

بر اساس این وظایف می‌توان دو رابطه‌ی کلی میان روحانیان و دین‌داران تشخیص داد: اول، انتقال اصول عقاید و احکام اخلاقی، عبادی و شرعی از سوی روحانیان به دین‌داران و اخذ این معارف توسط دین‌داران؛ دوم، پیروی از روحانیان در عبادات و مناسک جمعی و احکام شرعی. اگر این دو رابطه را انواع روابط میان دین‌داران و روحانیان بدانیم، برخی انواع دین‌داری‌ها بر روی این دو شکل رابطه تاثیر گذاشته آن‌ها را تنزل می‌دهد؛ نتیجه نیز کاهش ارتباط با روحانیان خواهد بود. حال باید پرسید، کدام نوع از انواع دین‌داری‌ها چنین نتیجه‌ای در پی خواهد داشت؟

با تعیین ملاک نوع ارتباط دین‌داران با روحانیان، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان سه دسته دینداری تشخیص داد:

دین‌داری «بی‌اعتقاد به روحانیت»؛ دین‌داری «بی‌نیاز به روحانی» و دینداری «ناپاییند».

۱- دین‌داری «بی‌اعتقاد به روحانیت»: در این نوع دینداری، دین‌داران یا ضرورت کارکردی روحانیت را- به عنوان متولیان شناخت و تفسیر دین و انجام مناسک و اداره‌ی اجتماع- نفی می‌کنند و یا به برخی جنبه‌های عبادی، اخلاقی و شریعتی دین باور ندارند. البته عدم اعتقاد به برخی جنبه‌های یاد شده، بی‌اعتقادی به وظایف و نقش‌های روحانیت را در پی خواهد داشت.

در این شکل دینداری، اصولاً دیندار بی‌اعتقاد- یا کم‌اعتقاد- به انجام وظایف دینی و اجتماعی از سوی روحانیان است. گفته شد که سه وظیفه‌ی کلان دینی برای روحانیان متصور است: تفسیر متون دینی برای استخراج و استنتاج اصول عقاید و احکام عبادی، اخلاقی و شرعی؛ انتقال این معارف به مومنان و برگزاری برخی مناسک جمعی عبادی و اجرای احکام دینی. در شکل اول دینداری، یعنی دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت، دین‌داران از اساس مخالف ایفای این نقش‌ها از سوی روحانیان هستند و بر این باورند که برای تفسیر متون دینی و شناخت احکام دین نیاز به مراجعه به گروهی خاص نیست. هرچند

این شکل دین‌داری خود به انواعی قابل تقسیم است و از عوامل گوناگونی ناشی می‌شود، اما در دوره‌ی اخیر دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت بیش از هر چیز تحت‌تاثیر گسترش فرهنگ و دانش مدرن (مدرنیته) و عقل‌گرایی نهفته در آن قرار داشته است. در این‌جا این امر مورد تأکید است:

در برخی انواع دین‌داری‌ها، که در آن روحانیان مراجع فکری و عملی دین‌داران هستند، دین‌داری افراد حجیت خود را از سنت و پیروی از دیگران، حتی بدون اتکا به استدلال‌های عقلی می‌گیرد. در این اشکال دین‌داری، دین از طریق افراد مقدس و پس از آن از طریق علما و روحانیان، به عنوان جانشینان افراد مقدس، تداوم می‌یابد و کسانی که آن را می‌فهمند و تفسیر می‌کنند آن‌ها هستند (رجب‌زاده، ۱۳۷۹: ۶۳)؛ لذا در این دین‌داری‌ها برای پذیرش یا نفی نظام باور دینی نیازی به کاربرد عقل بشری و مباحث عقلانی کم‌تر احساس می‌گردد. به‌همین خاطر، رابطه‌ی دین‌دار با دین بدون توجه به استدلال‌های منطقی و تجربی از طریق عاطفه و با ابتدا بر واسطه‌های دینی و سنتی برقرار است (سروش، ۱۳۷۸).

در مقابل این اشکال دین‌داری در دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت، تفسیر و شناخت اصول عقاید و احکام دینی تنها وظیفه‌ی روحانیان نیست؛ از همین‌رو، برخلاف دین‌داری سابق، رابطه دین‌داران با متون مقدس مستقیم می‌گردد. در این شکل دین‌داری اعتقاد بر این است که برای تفسیر متون دینی دیگر نیاز به رجوع به واسطه‌ها نیست و مومن از این توانایی برخوردار است که خود راساً با متون دینی ارتباط برقرار کند. گسترش تحصیلات مدرن این پدیده را دامن زده است. چرا که اولاً افزایش سطح تحصیلات لزوم مراجعه به گروهی که به دلیل با سواد بودن، باید وظیفه‌ی تفسیر متون دینی را برعهده داشته باشند مرتفع می‌کند و ثانیاً، دانش مدرن با عقل‌گرایی شناختی‌اش بر پذیرش مستدل امور تأکید می‌ورزد.

اگر در جوامع و در ادوار شیوع بی‌سوادی، نیاز به گروهی است که به دلیل باسواد بودن وظیفه‌ی تفسیر متون و استخراج احکام را برعهده گیرند، با گسترش سطح تحصیلات این نیاز تقلیل می‌یابد. از آن سو، توسل به عقل خودبنیاد به عنوان محصول مدرنیته، این نتیجه را در پی خواهد داشت که پذیرش هرگونه معرفت بدون استدلال عقلی و بر اساس پیروی غیر مستدل و سنتی از مراجع دیگر، مردود شمرده شود.

در برخی اشکال دین‌داری برای شناخت، بیش و پیش از هر چیز تکیه بر وحی و

نصوص می‌شود. اگر مهمترین منابع شناخت را وحی، عقل و تجربه‌ی حسی بدانیم، این اشکال دین‌داری، وحی را منبع معتبر شناخت می‌داند. تکیه بر نصوص و سنت‌های پیامبر و معصومین - که به‌طور مستقیم یا با واسطه منطبق بر وحی است - مهم‌ترین ابزار شناخت در این اشکال دین‌داری است. آنچه بر پیامبر نازل شده است و آنچه از زبان ایشان و جانشینان معصومشان جاری یا در اعمال ایشان ساری بوده، مهمترین ابزار شناخت در این سنوخ دینداری است. اگر چنانچه از ابزارهای دیگر همانند عقل نیز استفاده گردد، تنها حکم مدرسان داشته و در طول وحی به‌کار می‌آید؛ نه به‌عنوان ابزاری هم‌تراز و هم‌عرض. در مقابل، در شکل اخیر دین‌داری، عقل و علم ابزاری هم‌عرض و هم‌تراز با وحی قلمداد می‌گردد؛ که توان کشف مجهولات و راهنمایی بشر بسوی خدا را دارد.

این دو شیوه‌ی شناخت دو نتیجه منطقی در پی دارد: اول، در صورت تضاد میان گزاره‌های متکی به نص با گزاره‌های عقلی و تجربی، شیوه‌ی اول حکم به صحت گزاره‌های نخست و ابطال گزاره‌های نوع دوم می‌دهد؛ در حالی که شیوه‌ی دوم شناخت، گزاره‌های متکی به عقل را برگزاره‌های مبتنی بر نص مرجح می‌داند.

دوم، در دین‌داری نوع اول، این اعتقاد شکل می‌گیرد که برای شناخت دین، خدا و حتی حوزه‌های دیگر زندگی بشر، نیازمند حضور و وجود گروهی خاص است که به دلیل تعالیم خاص، در شناخت متون دین تبحر دارد. پس اعتقاد اول به پیروی از یک گروه خاص که از تخصص شناخت متون دینی برخوردار است منتهی می‌گردد؛ در حالی که در شکل دوم دین‌داری، هرآن‌کس که مجهز به توانایی به‌کارگیری عقل و استدلال‌های عقلانی و علوم روز برای شناخت است، از این توانایی برخوردار است تا راساً به شناخت خدا، دین، طبیعت و انسان اقدام نماید. اصولاً در این شکل دین‌داری تجهیز به عقل تجربی و فلسفی از شرایط شناخت است.

در دین‌داری نوع اول، پیروی در امور دینی از متخصصان دین‌شناس، از اهم امور به حساب می‌آید؛ در حالی که در دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت، کسانی که از میزانی از توانایی استدلال عقلانی یا علمی برخوردارند هم صلاحیت اظهار نظر در امور دینی را دارند.

این اعتقادات به نتایج زیر منتج خواهد شد: در دین‌داری شکل اول، پیروان اغلب متون دینی را برای ثواب و اجر اخروی آن و آن‌هم به عربی می‌خوانند؛ اما در دین‌داری شکل دوم دین‌داران متون را معمولاً به فارسی و برای شناخت هر چه بهتر دین مورد خوانش

قرار می‌دهند. عقل‌گرایی ایجاب می‌کند که متون مقدس به فارسی خوانده شود؛ چرا که قبل از هرگونه استدلال نیاز به فهم متون است. این برخلاف دین‌داری شکل اول است که متون به عربی خوانده می‌شود (خسروخاور، ۲۰۰۷).

دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت یک نتیجه دیگر هم به همراه خواهد داشت: این‌که موجب شکل‌گیری یک نوع «فردگرایی» شناختی در دین خواهد شد. فردگرایی در این‌جا انتخاب یک راه شخصی (متکی بر تفسیرهای فرد از متون) است؛ که عدم تبعیت از مراجع دینی -که طبق سنت‌ها آخرین حرف را در مورد رفتارهای دینی تجویز می‌کنند- در پی خواهد داشت. این‌چنین، افراد در فهم و پذیرش عقاید، احکام و حتی عبادات، تفسیرهای خود را وارد خواهند کرد!

تاکید بیش از پیش دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت بر پذیرش عقلانی امور، موجب می‌شود تا برخلاف دین‌داری نوع قبل -که «همه دین‌ورزان به یک نحو دین می‌ورزند، ایمان‌ها و اعمال‌شان کم‌وبیش یکسان است و یک صورت دارد» (سروش، ۱۳۷۸)- دین فردی و فردیت دینی ظهور کند. در این دین‌داری هر دین‌دار با اتکا به استدلال و ادراک خود عقاید و احکام را اختیار کند؛ به‌همین خاطر در آن، نیازی به روحانیت به عنوان واسطه‌ی دین با دین‌دار وجود ندارد.

پس با گسترش دانش مدرن و افزایش توان فهم متون دینی، از یک سو نیاز به مراجع دینی به عنوان واسطه‌های تفسیر و شناخت دین کم‌رنگ می‌شود و از سوی دیگر این عقیده شکل می‌گیرد که مومن می‌باید برای دین‌داری خود به استدلال‌های عقلانی مجهز گردد. این دو مورد آرام آرام گسترش عقیده‌ی حذف گروه واسطه‌ی شناخت دین را نتیجه می‌دهد.

از سوی دیگر، در این شکل دین‌داری به جای تاکید بسیار بر صورت دین‌داری، که در عبادات نمود دارد، تاکید فزون‌تر بر فهم معنای عبادات و ایمان قلبی است. عقل‌گرایی نهفته در این شکل دین‌داری هم‌چنین در شکل و ماهیت برخی عبادات تردید روا می‌دارد؛ که نتیجه‌ی آن نیز کم‌توجهی به بعضی از آن‌ها است. می‌دانیم که استدلال عقلی در چرایی یا چگونگی انجام بسیاری از عبادات جایی ندارد و انجام آن‌ها وابسته به پذیرش بی‌چون و

۱. در تحقیقی که توسط خسروخاور انجام گرفت (خسروخاور، ۲۰۰۷) در برابر این سوال که: چرا به موسیقی علی‌رغم حرام بودن گوش می‌دهید؟ پاسخ‌گو برداشت خود را از دین ملاک تشخیص صحت اعمال می‌داند. در این تحقیق مثال‌هایی چند آورده می‌شود که دین‌داران عقل خود را ملاکی برای پذیرش عبادات و احکام دانسته‌اند.

چرای دین‌دار است. قبل از این گفته شد که عقل‌گرایی با این شیوه‌ی پذیرش امور در تضاد است؛ پس نتیجه‌ی عقل‌گرایی می‌تواند کاهش انجام برخی مناسک و عبادات باشد.^۱ به‌همین خاطر در دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت انجام مناسک و عبادات، بخصوص از نوع جمعی آن، تقلیل یافته و تاکید فزون‌تر بر شناخت باطن و معنای دین می‌شود.

۲- دین‌داری «بی‌نیاز به روحانی»: در این شکل دین‌داری، دین‌دار لزوماً بی‌اعتقاد به وجود گروهی به عنوان مفسر و واسطه‌ی شناخت دین نیست؛ بلکه به دلیل برخی تحولات اجتماعی- تکنولوژیک، ارتباط وی با روحانیان قطع می‌گردد. به‌عنوان مثال گسترش وسایل ارتباطی مدرن مانند کتاب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، اینترنت و مانند آن، نیاز به شناخت عقاید دینی و احکام از طریق یک گروه خاص را مرتفع می‌کند.

به دلیل گسترش وسایل ارتباطی مدرن، دین‌داران برای شناخت عقاید و احکام دین دیگر نیاز چندانی به مراجعه حضوری و چهره‌به‌چهره با روحانیان - به‌عنوان مبلغان و معلمان دین- ندارند. آنان دیگر قادر به رفع نیازهای خود از طریق وسایل ارتباطی جدید هستند. پس گسترش این اشکال وسایل ارتباطی، منجر به کاهش نیاز به روحانیان به عنوان واسطه‌های مستقیم شناخت دین می‌گردد. از طرف دیگر گسترش وسایل ارتباطی مدرن، مانند رادیو و تلویزیون، دین‌داران را از مراجعه به مراکز مساجد، حسینیه و...، که مناسک دینی جمعی از قبیل خواندن مولودی یا تعزیه و دعا‌هایی مانند توسل، کمیل، زیارت عاشورا، در آن‌ها برگزار می‌گردد، بی‌نیاز می‌کند. با گسترش این قبیل وسایل، بسیاری از دین‌داران برای انجام مناسک دینی خود دیگر در مراکز تجمع مومنان مانند مساجد و حسینیه‌ها، که از طرف روحانیان امامت می‌شود، حاضر نمی‌شوند. پس گسترش وسایل ارتباطی مدرن به کاهش ارتباط مومنان با روحانیان کمک می‌کند.

در تفاوت این شکل دین‌داری با شکل قبل باید گفت، در شکل سابق، دین‌دار اصل

۱. تحقیق‌های تجربی این مهم را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، نیک‌پی (۱۳۸۴) نشان داده است که در جامعه‌ی امروز، توجه دین‌داران به مناسک سنتی دینی کم‌تر شده و میزان آمدوشد به مکان‌های رسمی عبادت تقلیل یافته است. اسماعیلی (۱۳۷۹) در تحقیق خود با عنوان «آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران» نشان می‌دهد که در میان دانشجویان، دین در حال تغییر از حوزه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی است و از یافته‌های رجب‌زاده (۱۳۷۹) چنین بر می‌آید که با افزایش گرایش دانشجویان به علم، گرایش آن‌ها به دین سنتی و باور آن‌ها به مرجعیت روحانیت و مناسک دینی کاهش می‌یابد.

حضور روحانی، به عنوان واسطه دین‌دار با دین، را انکار می‌کند؛ اما در این شکل دین‌داری، اقتضائات زندگی مدرن موجب قطع این ارتباط می‌گردد. هر چند دین‌دار ضرورت وجود و حضور روحانی را منکر نمی‌گردد، اما عملاً با آن بی‌ارتباط می‌شود.

۳- دین‌داری «ناپابیند»: در این شکل دین‌داری برخلاف دو شکل قبلی، دین‌دار نه بی‌اعتقاد به برخی جنبه‌ها و ابعاد دین است و نه وظایف روحانیت را محدود می‌داند؛ بلکه اصولاً دین‌دار نیازی به روحانیت احساس نمی‌کند. البته عدم احساس نیاز به روحانیت از جنس عدم نیاز در نوع قبلی دین‌داری نیست. در شکل سابق دین‌داری، به دلیل دسترسی دین‌دار به برخی ابزارها و وسایل ارتباطی، وی از این توانایی برخوردار بود تا نیازهای دینی خود را بدون مراجعه به روحانیت برطرف نماید؛ اما در شکل اخیر (دین‌داری ناپابیند) بی‌نیازی دین‌دار به دلیل عدم پابندی به انجام برخی اعمال - در حوزه اخلاق، عبادات و شرایع - می‌باشد. از آنجایی که در این نوع دین‌داری، دین‌دار پای‌بند انجام برخی، یا تمام، اعمال مورد انتظار دین نیست، لذا نیازی به مراجعه به روحانیت برای شناخت عقاید و احکام مربوط به اخلاقیات، عبادات و شرایع یا انجام عبادات و مناسک جمعی دینی به همراه روحانیت ندارد. البته عدم پابندی دین‌دار به اعمال دینی خود، همانند دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت، ناشی از بی‌اعتقادی به این اعمال نیست؛ بلکه نتیجه کاهلی در انجام آن‌هاست. گسترش فضای تساهل عقیدتی، در نتیجه جهانی شدن و گسترش مدرنیته غربی، موجب کاهش فشار اجتماعی (از سوی گروه‌های اولیه و ثانویه و جامعه) بر این دسته افراد می‌شود؛ لذا گسترش این شکل دین‌داری را موجب خواهد شد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱-۱- میان دین‌داری ناپابیند و ارتباط دین‌داران با روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری ناپابیند موجب کاهش ارتباط با روحانیت می‌گردد.
- ۲-۱- میان دین‌داری بی‌نیاز به روحانی و ارتباط دین‌داران با روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری بی‌نیاز به روحانی موجب کاهش ارتباط با روحانیت می‌گردد.
- ۳-۱- میان دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت و ارتباط دین‌داران با روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت موجب کاهش ارتباط با روحانیت می‌گردد.

روش‌شناسی تحقیق

روش بکار گرفته شده برای پاسخ به سوال تحقیق، پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده، پرسش‌نامه می‌باشد. برای توزیع پرسش‌نامه، شهر آمل مناسب تشخیص داده شد و تعداد ۶۰۴ نمونه از جمعیت بالای هجده سال این شهر انتخاب شد. [۱]. از تعداد ۶۰۴ پرسش‌نامه توزیع شده ۶۰۱ عدد عودت یافت و مورد تحلیل قرار گرفت.

تعریف متغیرهای تحقیق و چگونگی سنجش آن‌ها

ارتباط با روحانیت: ارتباط با روحانیت به دو بعد ارتباط عاطفی و ایدئولوژیک تقسیم می‌شود. ارتباط عاطفی به جاذبه‌ی روحانیت برای دین‌داران و علاقه‌ی آنان به روحانیت اشاره دارد و ارتباط ایدئولوژیک پیوندهای مشترک ارزشی و عقیدتی است که در تبعیت دین‌داران از روحانیت نمود دارد. به این ترتیب برای سنجش ارتباط دین‌داران با روحانیت سه متغیر: علاقه به روحانیت، جاذبه‌ی روحانیت برای دین‌داران و تبعیت از روحانیت، مورد سنجش قرار خواهد گرفت. اما پیش از پرداختن به گویه‌ها و شاخص‌های ابعاد ارتباط، لازم است توضیحی درباره‌ی انواع روحانی‌ارایه گردد. در این تحقیق «روحانیت» به دوازده گروه روحانی اشاره دارد. این گروه‌های روحانی، که از ترکیب آن‌ها روحانیت شکل می‌گیرد، عبارتند از:

- ۱- مراجع تقلید: روحانیان شاخصی که صاحب رساله و مراجعات از سوی مقلدین هستند.
- ۲- روحانیان مسجدی: روحانیانی که صرفاً به انجام وظایف دینی مثل وعظ و اقامه نماز جماعت اشتغال دارند.
- ۳- روحانیان حوزوی: روحانیانی که به کار درس و تحقیق در حوزه‌های علمیه مشغولند.
- ۴- روحانیان فعال غیرسیاسی: روحانیانی که در عین داشتن فعالیت‌های شایان دینی و اجتماعی، به نحو بارزی از مداخله در امور سیاسی داخلی و خارجی پرهیز دارند.
- ۵- روحانیان گوشه‌گیر: روحانیانی که تأملات محض دینی و معنوی دارند و از ارتباط گسترده با عموم پرهیز می‌نمایند.

- ۶- روحانیان دانشگاهی: روحانیانی که به کار درس و تحقیق در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی و پژوهشی جدید مشغولند.
 - ۷- روحانیان شاغل: روحانیانی که به مشاغل عمومی غیردولتی نظیر سردفتری و کسب و کشاورزی اشتغال دارند.
 - ۸- روحانیان دولت‌مرد: روحانیانی که در مسئولیت‌های بالای حکومتی قرار دارند.
 - ۹- روحانیان دولتی: روحانیانی که در یکی از ادارات، نهادها و سازمان‌های حکومتی شاغلند.
 - ۱۰- روحانیان حامی: روحانیانی که بدون داشتن هرگونه مسئولیت و سمت رسمی حکومتی، از نظام و دولت جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.
 - ۱۱- روحانیان مخالف: روحانیانی که ضمن تایید نظام جمهوری اسلامی، مخالف دولت‌مردان فعلی هستند و تلاش می‌کنند خود یا هم‌فکران به‌جای آنان به قدرت برسند.
 - ۱۲- روحانیان معارض: روحانیانی که نظام جمهوری اسلامی را قبول ندارند و برای تغییر آن فعالیت می‌نمایند.
- «علاقه به روحانیت»: برای سنجش میزان علاقه‌ی پاسخ‌گویان به روحانیان یک گویه به آنان ارایه می‌شود. از آنجایی که این گویه برای دوازده گروه روحانی تکرار خواهد شد، لذا برای ساخت شاخص آن می‌باید این دوازده گویه با هم ترکیب شوند.
- «جاذبه‌ی روحانیت»: برای سنجش این معرف سه گویه، که در همه‌ی دوازده گروه روحانی تکرار می‌شود، در نظر گرفته شده است. بدین‌نحو، شاخص جاذبه، ترکیبی است از سی‌وشش گویه.
- «تبعیت از روحانیت»: این معرف از ترکیب داده‌های مربوط به چهار گویه‌ی: «تبعیت اجتماعی»، «تبعیت سیاسی»، «تبعیت فرهنگی» و «تبعیت دینی» تشکیل می‌شود. از آنجایی که این چهار گویه برای دوازده گروه روحانی تکرار می‌شود، لذا برای ساختن شاخص آن چهل‌وهشت گویه با هم ترکیب می‌شوند.

جدول ۱. معرف‌ها و گویه‌های ارتباط

مفهوم	معرف‌ها	گویه‌ها
ارتباط با روحانیت	جاذبه	۱- هم‌نشینی با روحانیان ۲- اهتمام به شرکت در مجالس آنان ۳- الگوگیری از منش و رفتار آنان.
	علاقه	میزان علاقه‌مندی به روحانیان.
	تبعیت	۱- پیروی از توصیه‌های ایشان در مسایل سیاسی ۲- پیروی از توصیه‌های ایشان در مسایل اجتماعی ۳- پیروی از توصیه‌های ایشان در مسایل فرهنگ ۴- پیروی از آراء و نظرات ایشان در مسایل دینی.

نوع دینداری: فهم‌های گوناگون و اهتمامات متفاوت افراد به ابعاد گوناگون دین و ظهور و بروز متفاوت دین در نزد افراد، نوع دین‌داری تعریف می‌گردد.

۱- دینداری «بی‌نیاز به روحانی»: دین‌داری بی‌نیاز به روحانی به آن شکل از دین‌داری اطلاق می‌گردد که در آن نیاز دین‌دار به روحانیت به حداقل می‌رسد. این شکل دین‌داری در نتیجه‌ی برخی تحولات اجتماعی- تکنولوژیک بوجود می‌آید؛ به گونه‌ای که نیاز دین‌دار به روحانیت به دلیل گسترش ابزارهای ارتباطی مدرن مانند: رادیو، تلویزیون، اینترنت، کامپیوتر و... و تامین نیازهای دینی از این طریق کاهش می‌یابد. گویه‌های مناسب برای سنجش این نوع دین‌داری به قرار ذیل می‌باشد:

- ۱-۱- خواندن نماز قُرآدا در منزل یا محل کار؛ بجای شرکت در نماز جماعت.
- ۲-۱- استفاده از برنامه‌های دینی تلویزیون؛ بجای حضور در مجالس و مساجد.
- ۳-۱- شرکت در مجالس دینی برای استفاده از مداحی و عزاداری؛ به جای بهره‌گیری از سخنرانی روحانیان.
- ۴-۱- مراجعه به کتاب‌ها، نشریات یا رسانه‌ها، برای پاسخ به سوالات دینی؛ به جای مراجعه به روحانی.
- ۲- دین‌داری «بی‌اعتقاد به روحانیت»: در این شکل دین‌داری، دین‌دار یا به انجام

بسیاری از نقش‌ها و وظایف دینی برای روحانیت بی‌اعتقاد است و یا به برخی جنبه‌های عبادی، اعتقادی و شریعتی دین، که روحانیان در اجرا یا شناساندن آن‌ها نقش موثری دارند، باور ندارد. البته عدم اعتقاد به برخی جنبه‌های یاد شده دین، بی‌اعتقادی به وظایف و نقش‌های روحانیت را در پی خواهد داشت. در این جا برای گسترش این شکل دین‌داری بیش‌ترین تاکید بر عامل گسترش تحصیلات و فرهنگ مدرن و عقل‌گرایی نهفته در آن است. گویه‌های مناسب برای سنجش این شکل دین‌داری به قرار زیر است:

۱-۲- عدم مراجعه به روحانیان برای اطمینان از صحت اعمال و عبادات؛

۲-۲- مراجعه‌ی مستقیم به قرآن و متون دینی به جای مراجعه به روحانیان؛

۳-۲- عدم مراجعه به روحانیان به واسطه‌ی افزایش سواد.

۳- دین‌داری (ناپایند): همانند دو نوع دین‌داری قبل، در این شکل دین‌داری هم نیاز دین‌دار به روحانیت به حداقل می‌رسد؛ اما این بی‌نیازی به دلیل جایگزینی ابزارهای جدید با روحانیت و یا در نتیجه‌ی بی‌اعتقادی نیست؛ بلکه نتیجه‌ی عدم اهتمام دین‌دار به همه یا برخی وظایف دینی در حوزه‌های عبادی، اخلاقی و شریعتی می‌باشد. عدم انجام وظایف در حوزه‌های یاد شده، فرد را از مراجعه به روحانیان برای آموختن احکام، قواعد و آداب دینی و یا انجام جمعی آن‌ها بی‌نیاز می‌کند. در نتیجه، دین‌دار ناپایند فردی است که برخی وظایف دینی خود را در حوزه‌های اخلاق، عبادات و شرایع به انجام نمی‌رساند. گویه‌های مناسب برای سنجش این متغیر، به تفکیک حوزه‌ها، به قرار زیر است:

۱-۳- در حوزه‌ی عبادات: عدم جدیت در خواندن نماز یومیه و گرفتن روزه‌ی واجب.

۲-۳- در حوزه‌ی اخلاقیات: نداشتن روی خوش با مردم و عدم جدیت در رعایت حقوق دیگران.

۳-۳- در حوزه‌ی شرایع: عدم جدیت در پرداخت خمس، عدم پرهیز از خوردن و

آشامیدن حرام و عدم پرهیز از دروغ و غیبت.

۴-۳- در حوزه‌ی اعتقادات: اعتقاد پایین به وجود امام غایب.

جدول ۲. گویه‌های انواع دینداری

مفهوم	انواع	گویه‌ها
نوع دینداری	بی‌اعتقاد به روحانی	۱- عدم مراجعه به روحانی؛ به واسطه‌ی افزایش سواد ۲- مراجعه‌ی مستقیم به قرآن و متون دینی به جای مراجعه به روحانیان ۳- عدم مراجعه به روحانیان برای اطمینان از صحت اعمال و عبادات.
	بی‌نیاز به روحانی	۱- خواندن نماز فرادا در منزل یا محل کار ۲- شرکت در مجالس دینی برای استفاده از مداحی و عزاداری (به جای بهره‌گیری از سخنرانی روحانیان) ۳- استفاده از برنامه‌های دینی تلویزیون (به جای حضور در مجالس و مساجد) ۴- مراجعه به کتاب‌ها، نشریات یا رسانه‌ها، برای پاسخ به سوالات دینی.
	ناپایبند	۱- نخواندن نماز یومیه ۲- نگرفتن روزه واجب ۴- نداشتن روی خوش با مردم ۶- عدم پرهیز از دروغ و غیبت ۷- عدم جدیت در رعایت حقوق دیگران ۸- عدم جدیت در پرداخت خمس ۸- اعتقاد پایین به وجود امام غایب.

یافته‌های تحقیق

۱- یافته‌های توصیفی

۱-۱- پایبندی به ابعاد دین: پایبندی به چهار بُعد: عبادی، شریعتی، اخلاقی و اعتقادی مربوط می‌شود. در این میان، بُعد اخلاقی با ۷۸,۶ درصد، نمره‌ی زیاد و خیلی زیاد در رتبه‌ی اول؛ بُعد اعتقادی با ۷۸,۴ درصد، در رتبه‌ی دوم؛ بُعد عبادی با ۶۶,۵۵ درصد، در رتبه‌ی سوم و بُعد شریعتی با ۵۹,۳ درصد، در رتبه‌ی چهارم قرار دارد. شاخص این دین‌داری هم معادل ۳۰,۲۶ نمره (از ۴۰ نمره) می‌باشد.

جدول ۳. فراوانی و درصد پایبندی به دین

میانگین ن	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		گویه‌ها	ابعاد
	ف	٪	ف	٪	ف	٪	ف	٪	ف	٪		
۳,۹۲	۲۱	۳۵,۴	۲۲	۳۶,۹	۱۱	۱۸,۶	۲	۴,۸	۲۵	۴,۲	نماز خواندن	عبادی
۳,۶۲	۱۸	۳۰,۴	۱۸	۳۰,۴	۲۱	۳۴,۰	۳	۶,۵	۶۶	۱۱,۳	روزه گرفتن	
۲,۷۸	۵۹	۹,۸	۱۱	۱۹,۵	۱۹	۳۲,۳	۷	۱۶,۱	۱۳	۲۲,۳	پرداخت خمس	شرعی
۳,۸۴	۱۶	۲۶,۶	۲۳	۳۹,۴	۲۸	۴۵,۱	۱	۲,۷	۱۷	۲,۸	پرهیز از دروغ	
۴,۲۱	۲۸	۴۷,۳	۲۱	۳۵,۴	۱۱	۱۸,۶	۷۰	۳,۲	۱۵	۲,۵	پرهیز از خوردن و آشامیدن حرام	
۴	۲۰	۳۳,۹	۲۵	۴۳,۱	۱۸	۲۹,۶	۲	۲,۸	۹	۱,۵	رعایت حقوق مردم	اخلاقی
۴,۱	۲۸	۴۷,۸	۱۹	۳۲,۴	۱۴	۲۲,۶	۸۸	۲,۲	۱۸	۳,۸	داشتن روی خوش	
۳,۹۶	۲۰	۳۳,۷	۲۶	۴۴,۷	۱۰	۱۶,۳	۶۲	۶,۸	۲۷	۴,۵	اعتقاد به وجود امام غایب	اعتقادی

همان‌طور که اشاره شد، میانگین پایبندی کل نیز معادل ۳۰,۶۲ از ۴۰ (یعنی ۷۶,۵۵ درصد) می‌باشد.

جدول ۴. میانگین پایبندی

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
پایبندی	۸	۴۰	۳۰,۶۲	۵,۶۸

۲-۱- اعتقاد به روحانیت: درصد نمرات تعلق گرفته به طبقات زیاد و خیلی زیاد گویه‌های مربوط به «اعتقاد به روحانیان»، ۴۲,۶ درصد، است.

جدول ۵. اعتقاد به روحانیت

متغیر	گویه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
اعتقاد به روحانیت	مراجعه به روحانی برای تعیین صحت اعمال دینی	۸,۷	۱۰,۸	۴۴,۸	۲۴,۱	۱۱,۶	۳,۱۹
	مراجعه به روحانی به جای آموختن مستقیم از قرآن	۹,۰	۱۲,۲	۳۶,۷	۳۰,۰	۱۲,۲	۳,۲۴
	مراجعه به روحانی با وجود بالا رفتن سواد	۹,۵	۹,۷	۳۰,۹	۳۳,۳	۱۶,۶	۳,۳۷

در ضمن، میانگین نمره‌ی اعتقاد به روحانیان ۹,۸۱ - از ۱۵ نمره - می‌باشد.

جدول ۶. میانگین اعتقاد به روحانیت

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
اعتقاد به روحانی	۳	۱۵	۹,۸۱	۲,۹۵

۳-۱- نیاز به روحانیت: میزان نیازمندی پاسخ‌گویان در امور مناسکی، اعتقادی و عبادی به روحانیان، با چهار گویه‌ی دو وجهی مورد سنجش قرار گرفت. (در مرحله‌ی کدگذاری، به پاسخ‌هایی که نشانه‌ی نیاز به روحانیان و مراجعه‌ی به آنان بود، کد ۵ و به پاسخ‌های مقابل کد ۱ تعلق گرفت. این اقدام بدین خاطر انجام گرفت که با هم‌وزن کردن نمرات گویه‌های دین‌داری بی‌نیاز با گویه‌های انواع دین‌داری دیگر، امکان ترکیب آن‌ها و تشکیل متغیر جدیدی بنام دین‌داری بی‌ارتباط فراهم آید.)

در تمام جنبه‌ها، پاسخ‌گویان تمایل کم‌تری از خود برای مراجعه به روحانیان، برای برطرف کردن نیازهای دینی خود، نشان داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که شاخص نیاز به روحانیت برابر با ۴۴,۰ درصد است. در مقابل، تمایل برای مراجعه به بدیل‌های روحانیت، معادل با ۵۶,۰ درصد می‌باشد.

جدول ۷. نیاز به روحانیت

معرف‌ها	گویه‌ها	ف	٪
چگونگی نماز خواندن	فُرادا	۳۱۷	۵۳,۰
	در مسجد	۲۸۱	۴۷,۰
ترجیحات مناسکی	۱. شرکت در مساجد و هیات‌ها	۲۸۴	۴۷,۷
	۲. استفاده از برنامه‌های تلویزیون	۳۱۲	۵۲,۳
چگونگی رفع نیاز	شرکت در مراسمات برای: ۱. استفاده از سخنرانی روحانی	۲۳۸	۴۰,۱
	۲. استفاده از مداحی و عزاداری	۳۵۶	۵۹,۹
چگونگی رفع نیاز	از طریق رسانه	۳۵۰	۵۸,۶
	از طریق روحانی	۲۴۷	۴۱,۴

۴-۱- پابندی به دین و ارتباط با روحانیت: برای سنجش میزان پابندی به دین، ۸ گویه به پاسخ‌گویان ارائه شد. در مرحله‌ی کدگذاری، به گویه‌های نشانه‌ی پابندی خیلی زیاد کد ۵ و به گویه‌های پابندی خیلی کم، کد ۱ داده شد. به این ترتیب بالاترین نمره‌ای که افراد از این متغیر می‌توانند کسب کنند ۴۰ و کم‌ترین ۸ است.

برای مقایسه‌ی وضعیت ارتباط با روحانیت در میان افراد با میزان پایبندی متفاوت، در ابتدا پایبندی این افراد به سه دسته‌ی بالا، متوسط و پایین تقسیم شد. طبق تعریف، پایبندی بالا، معادل دین‌داری پایبند و پایبندی پایین، معادل دین‌داری ناپایبند می‌باشد. پس از تقاطع میزان فراوانی و درصد ارتباط با روحانیت در میان این دو نوع دین‌داری، مشخص شد که هر چه بر میزان پایبندی افراد به دین افزوده می‌شود، میزان ارتباط با روحانیت هم افزایش پیدا می‌کند. (گامای بدست آمده برای این دو متغیر برابر با ۳۸ درصد و معنادار می‌باشد).

جدول ۸ تقاطع پایبندی به ابعاد دین با نفوذ

پایبندی به دین		ارتباط
پایبند	ناپایبند	
۲۸,۰	۸۵,۷	کم
۶۳,۵	۱۴,۳	متوسط
۸,۵	۰	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	جمع

Gama= ۳۸,۰

Sig=.۰۰۰

۱-۵- اعتقاد به روحانیت و ارتباط با آنان: برای سنجش این شکل دین‌داری سه گویه به پاسخ‌گویان ارائه شد. ترتیب کدهای داده شده به گویه‌ها به گونه‌ای است که نمره‌ی زیاد نشانه‌ی اعتقاد به روحانیت و نمره‌ی پایین بی‌اعتقادی به آنان است. بر این اساس، دو شاخص اعتقاد به روحانیت و بی‌اعتقادی به روحانیت (دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت) ساخته شد. تقاطع میزان اعتقاد به روحانیت با ارتباط با آنان نشان می‌دهد که با افزایش اعتقاد، ارتباط با روحانیت افزایش داشته و با کاهش آن، میزان ارتباط با روحانیت کاهش می‌یابد. (ضریب گامای بدست آمده برای این دو متغیر برابر با ۷۵ درصد و معنادار می‌باشد).

جدول ۹. تقاطع اعتقاد به روحانیت با ارتباط با آنان

اعتقاد به روحانیت		ارتباط
با اعتقاد	بی اعتقاد	
۹,۳	۸۱,۲	کم
۷۹,۴	۱۶,۵	متوسط
۱۱,۳	۲,۴	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	جمع

Gama= .۷۵

Sig= .۰۰۰

۱-۶- نیاز به روحانیت و ارتباط با آنان: با مشاهده‌ی جدول تقاطعی احساس نیاز به روحانیت با، ارتباط با آنان، درمی‌یابیم، افرادی که احساس نیاز بیش‌تر در امور دینی به روحانیان دارند، ارتباط زیادتری هم با روحانیت دارند. این فزونی ارتباط نسبت به کسانی است که خود را از روحانیان بی‌نیاز دانسته و یا برای رفع نیازهای دینی خود به بدیل‌های گوناگون مراجعه می‌کنند. (ضریب گامای بدست آمده برای این دو متغیر برابر با ۶۲ درصد و معنادار می‌باشد).

جدول ۱۰. تقاطع نیاز به روحانیت با ارتباط با آنان

احساس نیازدینی به روحانیت		ارتباط
نیازمند	بی نیاز	
۱۴,۸	۵۶,۱	کم
۷۳,۸	۴۱,۴	متوسط
۱۱,۸	۲,۵	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	جمع

Gama= .۶۲

Sig= .۰۰۰

۲- یافته‌های تبیینی

۱-۲- دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت و ارتباط با روحانیت: شواهد تجربی انعکاس یافته در جدول زیر نشان می‌دهد که همبستگی میان دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت با ارتباط با آنان قوی و معادل ۵۹ درصد است. ضریب تعیین آن نیز معادل ۳۴ درصد می‌باشد؛ یعنی، نسبتی از واریانس متغیر ارتباط با روحانیت که از طریق متغیر بی‌اعتقادی به روحانیت تبیین شده است، معادل ۳۴ درصد است. این مقدار معنادار هم می‌باشد. ضریب رگرسیون متغیر مستقل برابر با ۱۴,۵ است؛ که نشان می‌دهد، یک واحد تغییر در متغیر دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت موجب ۱۴,۵ واحد تغییر مثبت در ارتباط با روحانیت می‌شود.

جدول ۱۱. رگرسیون دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت بر ارتباط با روحانیت

ضرایب	درصدها
ضریب همبستگی	$R = .۵۹$
ضریب تعیین	$R^2 = .۳۵$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$R^2_{adj} = .۳۵$
خطای معیار	$S.E = ۸۵,۹۶$
تحلیل واریانس	$ANOVA = ۳۱۷,۳۵$
شیب رگرسیون	$B = ۱۴,۵۴$
مقدار ثابت	۷۳,۳۲
سطح معناداری	$Sig = .۰۰۰$

ضرایب بدست آمده از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که میان دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت با ارتباط با آنان رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چه افراد بی‌اعتقادتر به وظایف و نقش‌های روحانیت باشند، ارتباط آنان هم با روحانیان کاهش بیش‌تری پیدا خواهد کرد.

۲-۲- دین‌داری بی‌نیاز به روحانی و ارتباط با روحانیت: نتیجه‌ی تحقیق موید آن

است که هر چه میزان نیاز دین‌داران به روحانی تقلیل یابد و یا بدیل‌هایی برای ارضای نیازهای دینی پیدا شود، ارتباط دین‌داران با روحانیان قطع می‌گردد. در تحقیق از این نوع دین‌داری با عنوان دین‌داری بی‌نیاز به روحانی یاد شده است.

شواهد تجربی موجود در جدول زیر نشان می‌دهد که همبستگی میان دین‌داری بی‌نیاز به روحانی با ارتباط با روحانیت قوی و معادل ۵۵ درصد است. ضریب تعیین آن نیز معادل ۳۱ درصد می‌باشد؛ به این معنا که: نسبتی از واریانس متغیر ارتباط با روحانیت که از طریق متغیر بی‌نیازی از روحانیت تبیین شده است معادل ۳۱ درصد است. این مقدار معنادار هم می‌باشد. ضریب رگرسیون متغیر مستقل برابر با ۶,۷۴ است؛ که نشان می‌دهد، یک واحد تغییر در متغیر دین‌داری بی‌نیاز به روحانی موجب ۶,۷۴ واحد تغییر مثبت در ارتباط با روحانیت می‌شود.

جدول ۱۲. رگرسیون دین‌داری بی‌نیاز به روحانیت بر ارتباط با روحانیت

ضرایب	درصدها
ضریب همبستگی	$R=0.557$
ضریب تعیین	$R^2=0.310$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$R^2.adj=0.309$
خطای معیار	$S.E=60.83$
تحلیل واریانس	$ANOVA=262.63$
شیب رگرسیون	$B=6.74$
مقدار ثابت	۱۴۱,۵۲
سطح معناداری	$Sig=.000$

با توجه به ضرایب بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که دین‌داری بی‌نیاز به روحانی، موجب کاهش ارتباط با روحانیت می‌گردد. به این معنا که هر چه دین‌داران نیازهای دینی خود را با بدیل‌های دیگری برطرف کنند، ارتباط آنان با روحانیت کاهش پیدا خواهد کرد.

۲-۳- دینداری ناپابند و ارتباط با روحانیت: این تصور وجود دارد که میان میزان

پایبندی افراد به ابعاد دین و ارتباط با روحانیت رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چه میزان پایبندی دین‌داران به ابعاد دین بیش تر باشد، ارتباط آنان با روحانیت هم بالاتر خواهد بود و بالعکس، هر چه این پایبندی کاهش یابد، ارتباط با روحانیت هم کاهش پیدا خواهد کرد.

یافته‌های تحقیق

شواهد تجربی موجود در جدول زیر نشان می‌دهد که همبستگی میان دین‌داری ناپایبند با ارتباط با آنان نسبتاً قوی و معادل ۴۳ درصد است. ضریب تعیین آن نیز معادل ۱۸ درصد می‌باشد؛ به این معنا که: نسبتی از واریانس متغیر ارتباط با روحانیت که از طریق متغیر دین‌داری ناپایبند تبیین شده است معادل ۱۸ درصد است. این مقدار معنادار هم می‌باشد. ضریب رگرسیون متغیر مستقل برابر با ۵,۵ است؛ که نشان می‌دهد، یک واحد تغییر در متغیر دین‌داری ناپایبند موجب ۵,۵ واحد تغییر مثبت در ارتباط با روحانیت می‌شود.

جدول ۱۳. رگرسیون دین‌داری ناپایبند بر ارتباط با روحانیت

درصدها	ضرایب
$R=۴۳$	ضریب همبستگی
$R^2=.۱۸۷$	ضریب تعیین
$R^2.adj=.۱۸۶$	ضریب تعیین تعدیل یافته
$S.E=۶۵,۹۲$	خطای معیار
$ANOVA=۱۳۶,۸۱$	تحلیل واریانس
$B=۵,۵۴$	شیب رگرسیون
۴۶,۳۹	مقدار ثابت
$Sig=.۰۰۰$	سطح معناداری

با توجه به ضرایب بدست آمده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که گسترش دین‌داری ناپایبند، موجب کاهش ارتباط با روحانیت می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در ابتدای مقاله این سوال مطرح گشت که: چه نوع دین‌داری‌هایی بر روی ارتباط دین-داران با روحانیان موثر خواهد بود و این ارتباط را به حداقل می‌رساند؟ همان‌گونه که پیداست این سوال مبتنی بر دو پیش فرض اساسی است: ۱- انواعی از دین‌داری وجود دارد ۲- نوع و میزان ارتباط دین‌داران با روحانیان در اشکال متفاوت دین‌داری متفاوت است. برای پاسخ‌گویی به سوال مقاله بر اساس انواع وظایف روحانیان سه نوع دین‌داری، که بر روی ارتباط دین‌داران با روحانیان اثرگذار است، در دین اسلام مشخص شد. این سه نوع دین‌داری تحت‌تأثیر تحولات اجتماعی-تکنولوژیک شکل گرفته یا گسترش پیدا کرده است. اولین شکل از این انواع، دین‌داری بی‌اعتقاد به روحانیت می‌باشد. این شکل دین‌داری، تحت‌تأثیر مدرنیته‌ی غرب و عقل‌گرایی نهفته در آن گسترش یافته است. فرهنگ مدرن با ویژگی‌های عقل‌گرا و فردگرایی، از طریق تحصیلات مدرن یا رسانه‌ها و ارتباطات جهانی، موجب بی‌اعتقادی به اصل ضرورت وجود موقعیت و نقشی بنام روحانی، که می‌باید واسطه‌ی شناخت دین باشد، می‌گردد. البته این شکل دین‌داری موجب بی‌اعتقادی به ابعاد از دین هم خواهد شد. بی‌اعتقادی به ابعاد از دین، بی‌اعتقادی به وظایف روحانیان را در این ابعاد به همراه خواهد داشت؛ که نتیجه قطع ارتباط دین‌داران با روحانیان است. فرهنگ مدرن با ویژگی‌های نسبی‌گرا و سهل‌گیرانه‌اش گسترش یک شکل دیگر از دین‌داری را نتیجه می‌دهد: دین‌داری ناپایمند. در این شکل دین‌داری فرد بی‌اعتقاد به موقعیت و نقش‌های روحانی نیست، بلکه به دلیل عدم عامل بودن به احکام، شرایع، اخلاق و عبادات، اصولاً نیازی به روحانی احساس نمی‌کند؛ چرا که نه نیازی برای شناخت احکام خود در ابعاد یاد شده دارد و نه برای انجام مناسک و عبادات به روحانی مراجعه خواهد کرد. شکل سوم دین‌داری که تحت‌تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک و ارتباطی است، دین‌داری بی‌نیاز به روحانیت می‌باشد. در این شکل دین‌داری، دین‌دار برای رفع نیازهای دینی خود به بدیل‌های روحانی مانند رسانه‌ها، لوازم صوتی، تصویری و دیجیتال و مانند آن مراجعه می‌کند؛ لذا نیاز دینی دین‌دار به روحانیت به حداقل تقلیل می‌یابد. نتایج تحقیق موید مباحث نظری و فرضیه‌های تحقیق است. به این معنا که آزمون‌های آماری نشان داد

که میان هر سه نوع دین‌داری‌های مورد نظر و ارتباط با روحانیان همبستگی مثبت وجود دارد. وجود همبستگی مثبت میان انواع دین‌داری و ارتباط با روحانیت به این معنا است که هر چه افراد بی‌اعتقادتر به روحانیت، بی‌نیازتر به آنان و ناپایبندتر به ابعاد دین باشند، ارتباطشان با روحانیت هم رو به پایین خواهد بود. به این معنا، با گسترش فرهنگ مدرن و تحولات تکنولوژیک - ارتباطی، باید منتظر کاهش ارتباط دین‌داران و روحانیان و به تبع آن کاهش تبعیت از آنان بود. مگر اینکه شاهد تحولات عمیقی در روش و منش روحانیت در حوزه دین‌داری باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. با کمک فرمول کوکران و با در نظر گرفتن دقت احتمالی ۵ درصد ($d=5$) و احتمال صحت ۹۵ درصد، حجم نمونه ۵۷۴ نفر انتخاب شد؛ اما برای بالا بردن دقت سنجش و هم‌چنین پوشش سوال‌های بی‌پاسخ، تعداد ۳۰ نفر به نمونه اضافه گشت. به این ترتیب تعداد ۶۰۴ عدد پرسش‌نامه در میان جمعیت نمونه توزیع گردید.

منابع

- ۱- اسماعیلی، حمید امین و خلیلی، اسماعیل (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۲- بهشتی سید محمد حسین (۱۳۸۳)، روحانی کیست، در: مجموعه متون و اسناد روحانیت: هویت جامعه روحانیت، بررسی‌های عمومی، جلد ۲۹.
- ۳- بهشتی سید محمد حسین، روحانیت در اسلام، در: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، جمعی از دانشمندان، شرکت سهامی انتشار (۱۸).
- ۴- خاکبان سلیمان (۱۳۸۴)، کارکرد روحانیت، در: فرهنگ، جامعه، انقلاب (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان
- ۵- ذوق‌علم علی (۱۳۸۴)، روحانیت و تحجر، در: فرهنگ، جامعه، انقلاب (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- ۶- رجب‌زاده احمد (۱۳۷۹)، دانشگاه، دین و سیاست: سنجش گرایش‌های فکری و فرهنگی دانش‌جویان، تهران: گزارش تحقیقی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- ۷- سروش عبدالکریم (۱۳۷۸)، اصناف دین‌ورزی، کیان دی و بهمن، شماره ۵۰.
- ۸- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷)، دین اقلی و اکثری، کیان، شماره ۴۱.

۹- شجاعی زند علیرضا (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دین داری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.

۱۰- کلدیور محسن (۱۳۸۵)، دادوستد اسلام و مدرنیته، www.kadivar.com

۱۱- کلدیور. محسن (۱۳۸۵)، روحانیت و قدرت،

www.kadivar.com/index.asp

۱۲- گلزاده غفوری علی (۱۳۶۰)، روحانیت و زندگی، به ضمیمه همبستگی داخلی و مراقبت در روابط خارجی، قم: نشر محمد.

۱۳- مطهری مرتضی (۱۳۸۴)، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران: صدرا.

۱۴- ملکیان مصطفی (۱۳۷۸)، سخنی در چندوچون ارتباط اسلام و لیبرالیسم، کیان، مرداد و شهریور، شماره ۴۸.

۱۵- میرسنجدسی سیدمحمد (۱۳۸۳)، مطالعه انواع و میزان دین‌داری دانشجویان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۶- نیک‌پی امیر (۱۳۸۴)، سبک‌های زندگی دینی در میان جوانان، همشهری، سه شنبه اول آذر.

۱۷- یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور؛ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰)، ویرایش اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

18- Himmelfarb. Harold. S (1975), "Measuring Religious Involvement", Social Force, vol. 53, No. 4: 606-618.

19- Khosrokhavar. Farhad (2007), the New Religiosity in Iran, Social Compass, October, 54(3), pp. 453-463.

20- Shepard. E. William (1987), "Islam and Ideology: Toward a Typology", International Journal of Middle East Studies. Vol. 19.

21- Shepard. E. William (2004), the Diversity Thought: Towards a Typology in Islamic Thought in the Twentieth Century, Edited by Suha Taji-Faruki and Basheer M. Nak, I. B. Towris.

Archives of SID